

## نقدی بر پس‌زمینه معنایی فعل «سیق» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر

زهره نریمانی<sup>۱\*</sup>

۱- استادیار گروه تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

### چکیده

واژه «سیق»، فعل ماضی مجهول، دو بار در آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر، در توصیف کیفیت وارد شدن اهل جهنم و بهشت به جایگاه‌شان آمده است. کار بست فعل یکسان برای جهنمیان و بهشتیان برخلاف رویه معمول قرآن، سبب شده، تا مفسران و مترجمان در ترجمه و تفسیر این واژه به تعدد معنا و تضارب آراء دچار شوند. آنان در تفسیر و ترجمه این فعل برای هر دو آیه، گاه از واژگان مشترک استفاده نموده و گاه سعی داشتند با انتخاب واژگان گوناگون، حالات مختلف و تفاوت این دو گروه را بر اساس آیه به تصویر بکشانند. در این پژوهش ضمن نقد آراء مشهور، با استفاده از کتب لغت و روش تفسیری قرآن به قرآن، یک واژه یکسان مانند روانه کردن و راهنمایی کردن و نشان دادن؛ که متضمن معنایی مشترک برای توصیف احوال مشترک اهل جهنم و بهشت در هنگام ورود به منزلگاه‌شان باشد، پیشنهاد شده و پس از آن، دلایل و لوازم این معنا نیز برشمرده شده است.

واژگان کلیدی: سیق، آیات ۷۱ و ۷۳ زمر، راندن، نقد تفاسیر و ترجمه‌ها، ترجمه قرآن کریم

## ۱- مقدمه

گسترش اسلام سبب شد تا نیاز به ترجمه و تفسیر آیات قرآن کریم هر روز بیشتر احساس شود. بر این اساس مترجمان و دانشمندان قرآنی، از دیرباز تلاش خود را برای ترجمه قرآن به زبان‌های گوناگون داشته‌اند. از جمله آن‌ها، زبان فارسی است که مترجمان فارس زبان برای قرآن ترجمه‌های گوناگونی را عرضه نموده‌اند. از ویژگی‌های ترجمه به صورت کلی و کتب مقدس به صورت ویژه و قرآن کریم به گونه‌ای ویژه‌تر، آن است که ترجمه هرگز نمی‌تواند به خوبی، معنا و مفهوم متن اصلی را انتقال دهد. به همین دلیل با وجود تلاش‌های بسیار مترجمان برای حفظ امانت در ترجمه قرآن، به یقین مواردی یافت خواهد شد که با معنا و مراد اصلی گوینده، اختلاف یا حتی تباین و تناقض داشته باشد. همین امر در تفسیر آیات قرآن نیز صادق است. از آنجا که فهم آیات قرآن با نگرستن در ظاهر آن و بررسی سطحی واژگان و جملات آن امکان‌پذیر نیست، ضرورت دارد با بررسی عمیق و ژرف‌نگری در آیات، به مفهوم آن‌ها پرداخت. اما در این میان، گاه برخی واژگان به سهولت رها شده و مشهورترین معنای آن را اخذ نموده و بر اساس آن معنا، به تفسیر آیه و آیات پرداخته شده است. این امر سبب می‌شود تا در هنگام مراجعه به تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، نگاهی مذاقه‌گر و نقاد داشته باشیم و مواردی که ترجمه آن‌ها پرسش برانگیز و یا ابهام‌آمیز است را از رهگذر تمرکز و نقد مورد بررسی قرار دهیم.

## ۱-۱- بیان مسئله

یکی از واژگان قرآنی، که مورد بحث و بررسی مترجمان و مفسران است، کلمه «سیق» در آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر است. خدای متعال در این سوره و در فرازهای پایانی یعنی از آیه ۶۸ به بعد، به برپایی قیامت و نفخ صور و آوردن انبیا و شهدا و... اشاره کرده است. در آیه ۷۱ و ۷۳ با عباراتی یکسان، به سرازیر شدن اهل بهشت و جهنم به جایگاه‌شان خبر می‌دهد. مترجمان و مفسران برای این شباهت و یکسانی در الفاظ ذیل واژه «سیق»، گاه یک واژه یکسان را، یعنی راندن، در تبیین آن برشمرده‌اند که در این صورت به چرایی راندن اهل بهشت

نقدی بر پس زمینه معنایی فعل «سیق» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر ..... زهره نریمانی

برای رفتن به بهشت پرداخته‌اند و گاه برای این واژه، که در دو آیه متوالی ذکر شده است، دو معنای مختلف با بار معنایی متناقض آورده‌اند. اما مسلم است که یک کلمه در دو آیه متوالی و در یک موضوع مشخص نمی‌تواند معنایی کاملاً متباین با یکدیگر داشته باشد. از سوی دیگر افاده معنای راندن و کشاندن برای اهل بهشت با شأن بهشتیان و با دیگر آیات قرآن که درباره تکریم اهل بهشت است، تعارض دارد.

از این رو، حل این مسئله که «سیق» در این دو آیه چه معنایی دارد و چگونه می‌توان یک معنا را برای هر دو آیه اختیار نمود که با وضعیت و احوال هر دو گروه، اهل بهشت و اهل جهنم، متناسب باشد؛ سبب شد ما در این پژوهش با استفاده از کتب لغوی و معنای اصیل این واژه و نیز بهره‌مندی از روش تفسیر قرآن به قرآن، معنای «سیق» در این دو آیه را تبیین و متناسب با آن معنا، مفهوم و تفسیر این دو آیه را مشخص کنیم.

#### ۲-۱- سؤال پژوهش

ما در این پژوهش بر آنیم تا بدین پرسش پاسخ دهیم که معنای حقیقی و مقرون به صحت واژه «سیق» در آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر که درباره اهل بهشت و جهنم به کار رفته است، چیست؟ و پس از آن تفسیر کلی آیات را با توجه به معنای جدید، استخراج نماییم.

#### ۳-۱- پیشینه پژوهش

با تتبع و جستجویی که در مجموعه مقالات گوناگون در نشریات، صورت گرفته است، هیچ اثر و نگارشی که به‌طور خاص به این واژه در آیات موردنظر پرداخته باشد، یافت نشد. تنها پیشینه این مقاله، همان کتب تفاسیری است که در هنگام شرح و تفسیر سوره زمر، به تفسیر این آیات با رویکرد غالب و تفسیر مشهور پرداخته‌اند.

## ۲- مفاهیم نظری پژوهش

قبل از ورود به بحث، پسندیده است تا پیرامون این دو آیه و سوره زمر اندکی سخن گفته، آنگاه به بررسی موضوع و مسئله آن بپردازیم.

### ۲-۱- «سیق» در لغت

کلمه «سیق»، ماضی مجهول از مصدر «سَوَقَ» به معنای به حرکت واداشتن است. سوق در عربی برای جان دادن (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۹: ۱۸۳)، پرداخت مهریه زن در صورتی که شتر باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۶۶)، ساق پا و بازار به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۹۱). عنصر مشترک همه موارد، رفتن و روان بودن است. ساق پا را ساق نامی ده‌اند؛ زیرا عنصر اصلی و مهم در راه رفتن است. از آنجا که بازار محل رفت و آمد و عبور و مرور است، عرب، بازار را سوق و جمع آن را اسواق نامی ده‌است. جان دادن را نیز با عبارت «یسوق» همراه ساخته‌اند؛ زیرا مرگ را مقوله‌ای می‌دانند که در آن، جان از کالبد جسمانی به جای دیگر روانه می‌شود. در واقع گونه‌ای از حمل و نقل و آوردن و بردن در واژه سوق نهفته است. به همین دلیل عرب امروزه، راننده را «سائق» می‌گوید.

نکته مهم در فهم معنای سیق و سوق، توجه به مخالف آن است. لغویان متقدم، «سوق» را نقیض «الْقَوْدُ» دانسته و تأکید داشته‌اند که قود، رفتن از پیشاپیش است و سوق از پشت سر، «يَقْوُدُ الدَّابَّةَ مِنْ أَمَامِهَا وَيَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا». (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۹: ۱۹۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۹۶). به همین دلیل رهبر قوم را قائد و نه سائق گفته‌اند.

### ۲-۲- «سَوَقَ» در قرآن

واژه سوق در قرآن کریم ۱۷ بار و در ۱۶ آیه، در ساختارهای گوناگون فعلی، اسم جمع، مصدر و مصدر میمی به کار رفته است.

نقدی بر پس زمینه معنایی فعل «سقی» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر ..... زهره نریمانی

در اینجا آیاتی که این واژگان در آنها به کار رفته، جهت سهولت مراجعه و استناد، در جدول زیر فهرست شده است.

جدول شماره ۱: آیاتی که واژه سوق در آنها به کار رفته است.

| ردیف | آیات                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | ﴿وَهُوَ الَّذِي يُزِيلُ الرِّيحَ بِشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۵۷) |
| ۲    | ﴿يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾ (انفال/۶)                                                                                                                                                             |
| ۳    | ﴿وَنُفِثُوا الْمَجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرْدًا﴾ (مریم/۸۶)                                                                                                                                                                                                                    |
| ۴    | ﴿وَقَالُوا مَا لِهَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۷)                                                                                                                           |
| ۵    | ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ﴾ (فرقان/۲۰)                                                                                                                                                |
| ۶    | ﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاسْلُمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل/۴۴)                          |
| ۷    | ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ (سجده/۲۷)                                                                                                           |
| ۸    | ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرُ سَحَابًا فُسْقِنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَخْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ (فاطر/۹)                                                                                                               |
| ۹    | ﴿رُدُّوْهَا عَلَىٰ فُطْفِقٍ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَغْنَانِ﴾ (ص/۳۳)                                                                                                                                                                                                             |

|    |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
|----|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۰ | ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (زمر/۷۱) |
| ۱۱ | ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْبَنَةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر/۷۳)                                                                                                                             |
| ۱۲ | ﴿مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ﴾ (فتح/۲۹)                                                                                                                                                              |
| ۱۳ | ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق/۲۱)                                                                                                                                                                                                                                                                          |
| ۱۴ | ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم/۴۲)                                                                                                                                                                                                                                            |
| ۱۵ | ﴿وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ﴾ (قیامت/۲۹)                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
| ۱۶ | ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ﴾ (قیامت/۳۰)                                                                                                                                                                                                                                                                                   |

با درنگ در این آیات موارد مهم ذیل به خوبی قابل استخراج است:

۱- همانگونه که مشاهده می‌شود خداوند واژه سوق را برای ابر و باران و آب در چند آیه به کار گرفته است (اعراف/۵۷؛ سجده/۲۷؛ فاطر/۹). دلیل این کاربست هم به سبب روان بودن و جاری بودن آب است که به منزلگاه خود جاری می‌گردد. در هر سه مورد نیز خداوند این روانه نمودن را به عاملی غیر از خود آب، یعنی خود خداوند و ملائکه نسبت داده است ﴿سُقْنَاهُ/ أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ﴾.

۲- در یک مورد، خداوند از مشتقات سوق و سیق برای رفتن به سوی مرگ استفاده کرده است (انفال/۶).

۳- در هفت مورد از مشتقات این واژه برای بحث آخرت، جهنم و بهشت استفاده شده است (زمر/۷۱ و ۷۳؛ مریم/۸۶؛ قلم/۴۲؛ ق/۲۱؛ قیامت/۲۹ و ۳۰).

۴- در دو مورد به صورت جمع «اسواق» در معنای بازار به کار رفته است (فرقان/۷ و ۲۰).

۵- در سه مورد هم در معنای ساق پا و ساقه به کار رفته است (نمل/۴۴؛ ص/۳۳؛ فتح/۲۹).

آنچه محل توجه است، استفاده هفتگانه از مشتقات این واژه درباره احوال و اوصاف جهان آخرت اعم از مرگ و ... است. این آیات هفتگانه با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن، به خوبی می توانند یاری گر ما در مسئله مورد نظر باشند.

### ۳- آیه ۷۱ و ۷۳ زمر در تفاسیر

برخی از مفسران در تفسیر آیه ۷۱ و ۷۳ سوره زمر و به طور مشخص در شرح واژه «سِق»، به بررسی چرایی این همسانی در واژگان با وجود اختلاف در ماهیت اهل بهشت و اهل جهنم پرداخته و سعی داشته اند، پاسخی بدین پرسش دهند. نکته قابل درنگ آن است که آن دسته از مفسرانی که در صدد توضیح چرایی این تکرار برآمده اند، حقیقت «سِق» را راندن گرفته اند که در آن فعل، نوعی اجبار بیرونی و درونی یعنی نداشتن شوق و تمایل برای رفتن به بهشت یا جهنم و استفاده از عامل خارجی برای بردن آن ها به محل استقرارشان با عنصر زور و فشار نهفته دانسته اند. این که اهل جهنم تمایلی برای رفتن به جهنم نداشته باشند و به زور آن ها را به جهنم ببرند، امری طبیعی است؛ اما چرا اهل بهشت باید شوقی برای رسیدن به بهشت نداشته باشند؟ این بی میلی با دیگر آیات قرآن اعم از آیات قبل از ورود به بهشت و آیاتی که بیانگر حالات و گفته های آنان در بهشت است، در تعارض است.

مفسران سعی داشته اند علت این همسانی در لفظ را با دلایلی مستدل نمایند: برخی نداشتن شوق را به انتظار ماندن اهل بهشت برای رسیدن دوستانشان تفسیر کرده اند (فخر رازی، بی تا، ۲۷، ۴۷۹). نظر دیگر آن است که اهل بهشت آنقدر مجذوب خدای متعال و طالب لقاء خداوند هستند که بهشت برایشان جذابیت و حلاوتی ندارد (همان). برخی نیز بر آن هستند که چون ملائکه الهی به اهل بهشت مشتاق تر از اهل بهشت به بهشت هستند، لذا آن ها را به شتاب به سمت بهشت می برند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۵۵۴). برخی

بین این دو راندن، تفاوت قائل شده‌اند و راندن اهل جهنم را راندنی اخترامی و از سر استیصال و اجبار گرفته و راندن اهل بهشت را اخترامی و از سر لطف و مهربانی دانسته‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵: ۳۸۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۲۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷: ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۷۹۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۵: ۳۹۲). برخی نیز آن را راندن مرکب‌های اهل بهشت در نظر گرفته‌اند (زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۴۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۵۰).

در میان مفسران، سید قطب با نادیده گرفتن تکرار فعل «سیق»، هیچ کلامی در تبیین شباهت و یا تفاوت آن ارائه نداده و آن را موضوع قابل درنگی ندانسته است (۱۴۸۰، ج ۵: ۳۰۶۳). اما ابن عاشور در ذیل آیه ۷۱ برای توصیف اهل جهنم، تصریح دارد که در «سوق و سیق» نوعی اهانت و نگرانی وجود دارد (۱۴۲۰، ج ۱۳۵: ۲۴) و «سیق» در آیه ۷۳ برای بهشتیان را نوعی مشاکلت و همانندی لفظ با آیه ۷۱ برای اهل جهنم دانسته، وی اذعان کرده که این نوع از سخن، در نزد اهل تحقیق گونه‌ای استعاره است که هیچ علاقه‌ای جز مجانست لفظی در آن نیست (همان: ۱۳۷).

اما برخی دیگر از مفسران، سیق را در هر دو آیه به معنای تشویق نمودن به رفتن دانسته (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۴۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۹۷) و به تفاوت آن‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند.

### ۳-۱- نقد آراء مفسران

در نقد آنچه مفسران گفته‌اند، می‌توان با رجوع به آیات قرآن، اشکالات بسیاری به آراء آنان مطرح کرد. خداوند در دو آیه از قرآن کریم به شتاب جستن برای بهشت، سفارش کرده است.

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾  
(آل عمران/۱۳۳)

﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (حدید/۲۱)

با توجه به دو آیه فوق و توصیه خدای متعال به شتاب برای رفتن به بهشت، می توان دلایلی که ناظر بر کم اشتیاقی و بی میلی بهشتیان به بهشت است را رد نمود. انتظار کشیدن اهل بهشت برای فرا رسیدن دوستان نیز با آیه ﴿وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ (انشقاق/۹) در تعارض است؛ ضمن آن که این آیه صراحت دارد، اهل بهشت همگی با هم در موضع دیگر جمع شده و به صورت گروهی (زمرّاً) به بهشت ورود پیدا می کنند. از این رو تعلل در بهشت رفتن به دلیل رسیدن دیگران با ظاهر آیه در تضاد است.

اما در اشکال به قول آن دسته از مفسران که بین «سِق» در دو آیه، تفاوت معنایی قائل شده و یکی را احترامی و دیگری را اخترامی دانسته اند، می توان این پرسش را مطرح کرد که این تفاوت را در عین یک واژه در دو آیه متوالی چگونه استنباط نموده اید؟ اگر بگوییم اقتضای حال بهشت و جهنم، ضرورت وجود این تفاوت هاست، باز پرسش مطرح می شود که دیگر یکسانی ها و شباهت هایی که در ادامه این دو آیه آمده است را چگونه توجیه می کنیم؟ ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا﴾ (زمر/۷۱-۷۳)

برخی نیز مرکب اهل بهشت را در تقدیر گرفته و سِق را ناظر به راندن مرکب ها و نه خود بهشتیان دانسته اند. این نظر را با یادآوری عدم جواز در تقدیر گرفتن کلمه یا حرفی در آیات قرآن بدون دلیل به چالش می کشانیم. ضمن آن که به چه دلیل و مجوزی سِق برای جهنمیان، راندن خودشان است، اما همان واژه در همان موضع برای بهشتیان، برای مرکب شان است؟

نظر دیگر آن بود که اهل بهشت به خدای متعال، مشتاق تر از خود بهشت هستند؛ به همین دلیل باید کشان کشان، آن ها را به بهشت برد، یا این که ملائکه بهشتی، اشتیاق بیشتری به بهشتیان دارند. در نقد این دیدگاه هم باید این پرسش را مطرح کرد که مگر خدای متعال، متعلق به مکان و زمان خاصی است که بهشتیان هراس دارند، اگر در بهشت وارد شوند از خداوند دور شوند؟ مگر نه آن است که رضوان خدای متعال بالاتر از بهشت است و این در بهشت میسور است. دیگر آن که اگر بهشت به اهلش مشتاق تر است، چرا

باید بهشتیان را به زور به سمت آن بکشانند؟ منطقی‌تر آن است که بهشت را به‌خاطر اشتیاقش به سمت اهلش بکشانند.

آنچه ابن‌عاشور گفته، در واقع گونه‌ای تناقض و تضاد را در تفسیر ارائه داده است. نمی‌توان در دو آیه که خدای متعال به مقابله حال دو گروه پرداخته، گفت آیه اول و کاربست اول از واژه سیق جهت تخفیف و خواری است؛ اما در آیه دوم صرفاً صنعت مشکله است و حامل هیچ معنایی نیست. اساساً خداوند در قرآن کریم هیچگاه صنعت مشکله را بدون هیچ دلیل و معنایی به کار نمی‌برد.

بر اساس آنچه گذشت؛ تمام آنچه مفسران در تفسیر این آیات ارائه داده‌اند از خطا و غفلت، در امان نبوده و نمی‌توان آن‌ها را به عنوان تفسیر و معنای درست آیه در نظر گرفت. قابل ذکر است که دیدگاه علامه طباطبایی تا حدودی نسبت به دیدگاه دیگران قابل دفاع‌تر است. ایشان سیق در هر دو آیه را در معنای تشویق دانسته‌اند و تفاوتی بین دو آیه قائل نشده‌اند. نقدی که بتوان به رأی علامه وارد نمود آن است که تشویق (حث)، معمولاً برای امور و کارهای خوشایند بوده و نمی‌توان شخصی را با علم به این که خود بر قبح، سختی و تنفر فعل اشراف دارد، به کاری یا مکان مشقت‌آوری چون جهنم تشویق نمود.

### ۳-۲- آیه ۷۱ و ۷۳ زمر در ترجمه‌های قرآن کریم و نقد آن

مترجمان نیز مانند مفسران، با تعبیر مختلف سعی در نشان دادن معنای حقیقی این دو آیه داشته‌اند. در این قسمت پانزده ترجمه برجسته به زبان فارسی انتخاب شده و آراء مترجمان در این باره به صورت فهرست و جدولی تنظیم شده است تا خواننده به سهولت میان آراء، تطبیق لازم را صورت دهد. این ترجمه‌ها به خوبی می‌توانند دیدگاه قرآن‌پژوهان را درباره معنای آیه نشان دهد.

نقدی بر پس زمینه معنایی فعل «سِق» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر ..... زهره نریمانی

جدول شماره ۲: مقایسه تطبیقی ترجمه‌ها

| ترجمه          | ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا﴾ (زمر/ ۷۱)           | ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾ (زمر/ ۷۳)                                         |
|----------------|---------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فولادوند       | و کسانی که کافر شده‌اند، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند.                | و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند.                                      |
| فرقان          | و کسانی که کافر شدند گروه گروه سوی جهنم رانده شدند.                       | و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه سوی بهشت سوق داده شدند.                                         |
| آیتی           | و کافران را گروه گروه به جهنم برانند.                                     | و آنان را که از پروردگارشان ترسیده‌اند گروه گروه به بهشت می‌برند.                                                   |
| الهی قمشه‌ای   | و آنان را که کافر شدند فوج فوج به جانب دوزخ رانند.                        | و متقیان خدا ترس را فوج فوج به سوی بهشت برند.                                                                       |
| پاینده         | و کسانی که کافر بوده‌اند گروه گروه به جهنم رانده شوند.                    | و کسانی که از پروردگارشان ترسیده‌اند گروه گروه به بهشت کشانده شوند.                                                 |
| آدینه‌وند      | و کسانی که کافر شدند گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند.                 | و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند.                                                |
| حجتی           | کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند.                   | و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند.                                                |
| برزی           | و کسانی که کفر ورزیده‌اند، گروه گروه به جانب جهنم رانده شوند.             | و کسانی که تقوای پروردگارشان را پیشه کرده‌اند، گروه گروه به جانب بهشت برده شوند.                                    |
| علی ملکی       | بی‌دین‌ها را گروه گروه به طرف جهنم روانه می‌کنند.                         | کسانی را هم که در حضور خدا مراقب رفتارشان بوده‌اند گروه گروه به طرف بهشت بدرقه می‌کنند.                             |
| انصاریان       | و کافران گروه‌گروه به دوزخ رانده می‌شوند.                                 | و کسانی که از پروردگارشان پروا کردند گروه گروه به بهشت رانده می‌شوند.                                               |
| موسوی گرمارودی | آنان را که کفر ورزیدند دسته‌دسته به سوی دوزخ گسیل می‌کنند.                | و آنان را که از پروردگارشان پروا کردند دسته‌دسته به سوی بهشت گسیل می‌کنند.                                          |
| نوبری          | (یا محمد) روز قیامت کفار را فوج فوج پشت سر هم به زور به طرف جهنم می‌برند. | (یا محمد) آن‌هایی را که از پروردگارشان خوف کرده عمل صالح کنند روز قیامت فوج فوج به عزت و احترام به طرف جنت می‌برند. |
| کهن طبری       | و ببرند آن کسان را که کافر بوده باشند سوی دوزخ گروه گروه.                 | و ببرند آن کس‌ها را که ترسید کاران باشند از خدای ایشان سوی بهشت گروه گروه.                                          |

|       |                                                      |                                                                        |
|-------|------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| دهلوی | و روان کرده شود کافران را بسوی دوزخ گروه گروه.       | و روان کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت گروه گروه. |
| نسفی  | و به شتاب برده شوند کافران، گروه گروه به دوزخ سوزان. | و بشتاب برده شوند متقیان، گروه گروه به بهشت جاویدان.                   |

### ۳-۳- نقد آراء مترجمان

بررسی و درنگ در ترجمه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از مترجمان «سیق» در آیه ۷۱ را راندن، ترجمه نموده‌اند. اما در این میان، انصاریان آیه ۷۳ را نیز بر همین منوال ترجمه کرده است. مترجمانی چون موسوی، نوبری، طبری، دهلوی و نسفی نیز بین «سیق» در دو آیه تفاوت قائل نشده‌اند. هرچند که ترجمه‌ای جز راندن را برای «سیق» اختیار نموده‌اند. برخی از مترجمان، عموماً تلاش کرده‌اند با اتخاذ واژه‌ای دیگر تفاوت معنایی این دو آیه را نشان دهند.

اساس این‌که در ترجمه هر دو آیه، واژه همسان انتخاب شود به نظر صحیح و مقبول است. اما نکته مهم آن است که واژه به‌کار رفته در ترجمه کلمه «سیق» باید چه واژه‌ای باشد که گویای حقیقت معنای سیق بوده و بر حال مشترک اهل بهشت و جهنم هم تطبیق داشته باشد. از این روی برخی از مترجمان (فولادوند- انصاریان) واژه رانده شدن را برای ترجمه «سیق» در هر دو آیه انتخاب نموده‌اند. برخی دیگر، واژه راندن که متضمن معنای منفی و اکراه و اجبار است را برای اهل جهنم و آیه ۷۱ گزینش نموده‌اند؛ اما برای آیه ۷۳ از تعبیری چون، سوق داده می‌شوند (فولادوند- ترجمان فرقان)؛ می‌برند (آیتی- الهی قمشه‌ای)؛ کشانده می‌شوند (پاینده)؛ برده می‌شوند (آدینه‌وند- حجتی- برزی) و بدرقه می‌کنند (ملکی)؛ استفاده کرده‌اند. ضمن آن‌که نقدهای مهمی بر همه این ترجمه‌ها وجود دارد، باید به یک مورد مشترک در میان آن‌ها اشاره نمود که در همه این تعبیر علیرغم تلاش مترجمان برای انتقال تفاوت معنایی میان دو آیه و عطا نمودن بار مثبت معنا در واژگان استفاده شده در آیه ۷۳، هنوز آن معنای اجبار از برون و نارضایتی اهل بهشت از ورود به بهشت را دارا می‌باشد؛ چرا که سوق دادن،

نقدی بر پس زمینه معنایی فعل «سقی» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر ..... زهره نریمانی

کشاندن و بردن؛ تفاوت چندانی با راندن، نداشته و همه این واژگان در زبان فارسی مترادف و هم معنا به شمار می آیند.

برخی از مترجمان نیز سعی داشته‌اند تا معنایی را برای واژه منظور انتخاب نمایند که دربردارنده بار معنایی مثبت یا منفی نبوده و بر اهل بهشت و جهنم هر دو تطبیق کند. از جمله واژگانی چون: گسیل می‌کنند (گرم‌ارودی)؛ می‌برند و ببرند (نوبری، طبری)؛ روان کرده شود (دهلوی)؛ به شتاب برده شوند (نسفی).

نقد مهمی که می‌توان هم بر ترجمه‌ها و هم بر تفاسیر وارد کرد، استفاده نکردن این کتب از معنای حقیقی و لغوی واژه سقی در کتب لغت قدیمی و نیز چگونگی کاربست این واژه در قالب‌های مختلف آن در قرآن کریم است. حتی مفسرانی چون صاحب تفسیر *الفرقان*، که پیوسته از تفسیر قرآن به قرآن در فهم آیات استمداد جسته، در این باره برای فهم دقیق و ترجمه و تفسیر صحیح آیات از دیگر آیات قرآن کمک نگرفته‌اند.

از دیگر نقدهای وارد بر این ترجمه‌ها آن است که برخی (فولادوند- ترجمان فرقان)، همان واژه «سقی» عربی را با ساختار فارسی سوق دادن در ترجمه آیه ۷۳ زمر آورده‌اند که این امر نشان از به نتیجه نرسیدن معنای حقیقی آیه برای اهل بهشت است. فقط با ذکر این تفاوت واژگان بر آن بوده‌اند تا به مخاطب تفاوت معنایی این واژه در دو آیه را القا نمایند.

برخی نیز چون نسفی، بدون دلیل خاصی (قرآنی یا لغوی)، واژه «به شتاب» را برای «سقی» لحاظ نموده‌اند که این امر خود خطایی بزرگ در ترجمه متن مقدس به شمار می‌رود.

از دیگر نقدهای وارد بر این ترجمه‌ها، ترجمه کردن فعل ماضی مجهول «سقی» به عنوان فعل معلوم و آن را به عنوان فعل مضارع گرفتن است. این اشکال بر همه ترجمه‌ها جز ترجمان فرقان، وارد است.

برخی نیز برای اهل بهشت از واژه «می‌برند»، استفاده نموده‌اند و بر آن بوده‌اند با کاربست دو فعل «راندن و بردن» میان دو آیه تفاوت قائل شوند. در واقع مترجمان، سعی کرده‌اند با واژه «راندن» مذمت حال اهل جهنم را افاده کنند. اما بر این استفاده، اشکال وارد است که چگونه یک کلمه در دو آیه به نسبت متوالی، از دو معنای متفاوت و متضاد

برخوردار است؟ ممکن است گفته شود که سیاق آیات و وضعیت حال اهل بهشت و اهل جهنم اقتضای اتخاذ چنین تفاوت معنایی را داشته باشد؛ در پاسخ باید گفته شود اگر به ادامه این دو آیه دقت کنیم سیاق این آیات از چیز دیگر غیر از اختلاف حال و احوال بهشتیان و جهنمیان سخن می‌گوید.

### ۳-۴- ترجمه پیشنهادی آیات

بر اساس آنچه تاکنون گفته شد و نقدهایی که به ترجمه‌ها و تفاسیر آمده، وارد شد، می‌توان با استفاده از معنای لغوی واژه «سیق» و استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، معنایی جدید برای هر دو آیه ارائه نمود. قبل از هر چیز باید بگوییم اصل بر آن است که «سیق» در هر دو آیه، یک معنا دارد و می‌توان مترجمانی چون انصاریان، گرمارودی و... را که بر این نکته دقت داشته‌اند، تأیید نمود. دلیل صحت این ترجمه آن است که خداوند در این آیه برخلاف دیگر آیات که از افتراقات وضعیت اهل بهشت و جهنم سخن گفته این بار از اشتراکات حالت و وضعیت این دو گروه سخن رانده است. این احتمال و نظر را به ادامه آیه مستند می‌کنیم که فرموده است: ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (زمر/ ۷۱)

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر/ ۷۳)

در واقع خداوند در این دو آیه از احوال مشترک اهل بهشت و جهنم در هنگام ورودشان به محل جزا و پاداش سخن می‌گوید. به همین دلیل «سیق» در این دو آیه نمی‌تواند بار معنایی متفاوتی داشته باشد. همانگونه که فتح ابواب و سخن گفتن خزنه بهشت و جهنم نمی‌تواند معانی گوناگون و متفاوت داشته باشد.

پس از تبیین این موضوع، بار دیگر معنای لغوی «سیق» را بازخوانی می‌کنیم. گفته شد که «سوق» نقیض «قود» است و «سائق» به معنای کسی یا چیزی است که شخص یا شیئی

را به جای دیگر روانه می‌کند. افزون بر این، با دقت در دیگر آیات قرآن می‌توان معنای بهتری برای واژه «سائق» اختیار نمود. در آیه ۲۱ سوره ق، خداوند پس از خبر دادن از دمیدن صور، به حقیقت «سائق» اشاره دارد که بیان آن، فارغ از بهشتی بودن یا جهنمی بودن و احوال انسان است. خداوند با استفاده از واژه «نفس»، وجود سائق را از همان ابتدا به همراه شهید برای هر نفسی (کسی) مسلم می‌داند؛ ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق/۲۱). این آیه خبر از همراهی سائق و شهید از همان مراحل آغازین و نخستین قیامت، یعنی پس از نفخ صور، داده است ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ﴾ (ق/۲۰).

پس آنچه مسلم است این است که حقیقت سائق و سوق به تنهایی حامل معنایی مثبت و یا منفی نیست. مانند شهید، که در قیامت همراه نفس طیب و خبیث انسانی، هر دو هست و فقط باید به اعمال و آورده‌های نفس، شهادت دهد (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۳: ۴۸۱). وظیفه سائق همراه نفس در سوره ق، پشت سر ماندن نفس است که او را بر اساس کرده‌ها و آورده‌هایش به منزلگاه خود روانه می‌کند. حال اگر مقصد نهایی نفس، بهشت باشد او را روانه بهشت نموده و به خزنه بهشت تحویل می‌دهد و اگر سرمنزل نهایی او جهنم باشد به همین ترتیب او را روانه جهنم کرده و به خزنه جهنم تحویل می‌دهد و مرحله جدید عذاب و سرزنش‌ها برای او آغاز می‌گردد. این حقیقت بار دیگر برای اهل جهنم در آیه دیگری از قرآن تبیین گشته است ﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِثَتُهَا﴾ (مریم/۸۶).

آیه ۸۶ سوره مریم، در حالتی منحصر به اهل جهنم، نحوه این سوق و روانه کردن را ترسیم نموده و تأکید داشته است که روز قیامت اهل جهنم با تشنگی روانه جهنم می‌شوند، برخلاف اهل بهشت که در آیه پیش از آن به گونه‌ای تکریمی و شفاف‌آور و شادی‌گونه روانه بهشت می‌شوند (مکارم شیرازی، ج ۱۳: ۱۳۳).

﴿يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَىٰ الرَّحْمَنِ وَقُدَّ﴾ (مریم/۸۵) در سوره مریم خداوند از تفاوت‌های حال و احوال روانه شدن اهل بهشت و جهنم به منزلگاه‌شان سخن گفته و در سوره زمر، به شباهت‌های روانه شدن این دو گروه اشاره کرده است.

از این رو، شاید بهترین ترجمه برای آیات سوره زمر چنین باشد:

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾

و کسانی که کافر شده‌اند، گروه گروه به سوی جهنم روانه می‌شوند\* و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت روانه می‌شوند.  
در اینجا باید این نکته را یادآور شویم که ترجمه مترجمانی چون گرامرودی (گسیل می‌کنند)؛ نوبری و طبری (می‌برند و ببرند) و دهلوی (روان کرده شود) نیز مانند ترجمه پیشنهادی مناسب و مطابق بوده است.

### ۳-۵- امتیازات و ویژگی‌های ترجمه پیشنهادی

در ترجمه پیشنهادی فوق، مواردی رعایت و مورد دقت قرار گرفته که در تفاسیر و ترجمه‌های آمده، چنین نبوده است. این نکات، سبب می‌شود تا ترجمه و تفسیر پیشنهادی نسبت به تفسیر و ترجمه‌های گذشته، از امتیازات بیشتری برخوردار باشد؛ دلایل گزینش این تفسیر و ترجمه عبارتند از:

۱- مهم‌ترین موضوعی که در ترجمه پیشنهادی مورد عنایت است، وفاداری به معنای لغوی واژه سوق است. در ترجمه متون به ویژه متن مقدسی چون قرآن کریم، درنگ و تأمل در واژگان کلیدی آیه، در انتقال معنا و مفهوم اصیل نقش بسزایی دارد. امری بدیهی است که وقتی خدای متعال از زبان عربی برای ابلاغ پیام خود استفاده کرده، مخاطبان در گام نخست باید برای فهم پیام خدا از معنای واژگان عربی بر اساس آنچه عرب زبان فهمی‌ده‌اند؛ استفاده کنند. حال اگر در ترجمه آیات مورد نظر، سوق را به معنای راندن با گونه‌ای از تحمیل و اجبار بدانیم، این ترجمه و تفسیر، دور شدن از معنای واقعی این واژه در کتب لغت اصیل عربی و نزدیک به نزول قرآن است؛ زیرا همان‌گونه که آمد، لغویان در ترجمه این واژه، معنای «راندن» را برای سوق اصیل ندانسته و همگی روانه ساختن و همراهی نمودن برای رفتن را معنای لغت دانسته‌اند. بدین سبب در ترجمه پیشنهادی آیه، این اصل رعایت شده است.

۲- گفته شد یک خطای آشکار مترجمان و مفسران، آن بود که فعل مجهول «سقی» را در قالب فعل معلوم ترجمه و تفسیر کرده‌اند. هرچند که با دقت در دیگر آیات قرآن و سیاق آیات همین سوره، فاعل این فعل را می‌توان ملائکه برشمرد، اما باید توجه داشت ظاهر آیه با فعل مجهول از این موضوع یاد کرده است. مجهول آوردن یک فعل در زبان عربی به ویژه در قرآن کریم با دلایل متعدد و مهم بلاغی همراه است (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۳-۱۹۴) که مترجم و مفسر باید هنگام ترجمه و تفسیر این دلایل و وجوه را مبرز و برجسته کند، تا بر حلاوت، زیبایی و حقیقت آیه نزدیک‌تر شود. اما اگر در گام اول، فعل مجهول را بدون توجه به این نکات به صورت معلوم ترجمه و تفسیر کنیم در حقیقت قسمتی از معارف نهفته در آیه را مدفون نموده‌ایم. از این رو در ترجمه پیشنهادی آیه، این نکته مورد توجه قرار گرفته و با همان سیاق مجهول ترجمه شده است تا هنگام تفسیر، مفسر با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن و سیاق آیات فاعل فعل را مشخص نماید و از چرایی این فعل مجهول پرده بردارد. اما در ترجمه پیشنهادی، اگر ماضی به صورت مضارع ترجمه شده است به دلایل متعددی است که توجیه علمی دارد. این که خداوند با زبان عربی برای امری که در آینده محقق می‌شود از فعل ماضی استفاده می‌کند، بدین دلیل است که اولاً در زبان قرآن این امر به دلایل متعدد بلاغی بارها اتفاق افتاده است که این دلایل را باید در هنگام تفسیر برشمرد و نمی‌توان با برگردان عین آن به زبان فارسی افاده معنا نمود. از دلایل جایگزینی فعل ماضی به جای مضارع، این است که خداوند برآن است تا تحقق حتمی رویداد را نشان دهد از این رو این قطعیت را با فعل ماضی نشان می‌دهد به گونه‌ای که گویا این حادثه اتفاق افتاده و به پایان رسیده است و الان می‌توان از آن به عنوان یک اتفاق در گذشته یاد کرد، یا این که تصویرسازی اوضاع قیامت با این جایگزینی بیشتر محقق می‌شود. اما در زبان فارسی برای افاده چنین معانی، کاربرست فعل ماضی کاربرد ندارد و برای محقق ساختن و تصویر پردازی موضوع، همان کاربرست فعل مضارع بیشترین تأثیر را در ابلاغ این نکته بلاغی دارد. ضمن آن که آیه شریفه در ادامه با کاربرست افعال مضارع به مستقبل بودن آن اذعان دارد. افعال مضارعی که در ادامه

آیه آمده است، می‌تواند رهنمونگر و مجوزی برای ما باشد تا بتوانیم فعل «سیق» را به صورت فعل مضارع ترجمه نمائیم. ﴿وَسَيِّقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمْرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (زمر/۷۱)

۳- سومین امتیاز ترجمه پیشنهادی، استفاده از واژه‌های فارسی برای ترجمه است. در ترجمه، یکی از موضوعاتی که اهمیت دارد آن است که مترجم، از زبان مقصد برای افاده معنا و ترجمه متن استفاده کند. این که در هنگام ترجمه، همان واژگان زبان مبدأ را با تغییر اندکی در ساختار، بار دیگر به کار گیریم، سبب ارائه ترجمه ضعیفی خواهد شد. در ترجمه پیشنهادی برای آیات مورد نظر در سوره زمر، با احتراز از واژگان عربی، با گزینش واژگان فارسی سعی شده است تا این مهم حاصل شود و با عبارت جایگزین در زبان فارسی معنای کلمه با بار معنایی مورد نظر آیه افاده گردد.

۴- یکی دیگر از امتیازات ترجمه پیشنهادی آن است که معنایی غیر آنچه خداوند مراد کرده است را به آیات تحمیل نکرده‌ایم. گفته شد مترجمان و مفسران در دل واژه «سیق» اکراه و اجبار درونی و بیرونی را لحاظ کرده بودند و چون این موضوع با خبر اشتیاق اهل بهشت برای ورود به آن در تناقض بود، لذا به توجیهات و دلایلی روی آوردند که آن توجیهات خود با آیات دیگر قرآن ناسازگار بود. این ترجمه با توضیحات آمده، دیگر ضرورتی برای تبیین اجبار و اکراه بهشتیان در ورود به بهشت نمی‌بیند؛ چون در دل واژه «روانه می‌سازند» مانند «سیق» هیچ اکراه و اجبار درونی و بیرونی وجود ندارد، بلکه این واژه مفهوم راهنمایی موافق و امور را به نفس بهشتی و جهنمی پیوسته نشان می‌دهد و او را تا مقصدش همراهی و بدرقه می‌کند.

۵- مفسر و مترجم قرآن کریم باید پیوسته قرآن را یک مجموعه هماهنگ، منظم و سازمان یافته ببینند که آیات آن در پی تبیین یکدیگر و تفسیر هم هستند. این که بخواهیم هنگام تدبر در قرآن، بدون مراجعه و دقت در دیگر آیات همسو، صرفاً در یک آیه درنگ کنیم، قطع به یقین این تدبر و درنگ ناقص بوده است و هرگز نمی‌تواند ما را به یک

تفسیر حقیقی و راستین از کلام خدا رهنمونگر باشد. از این رو، در ترجمه پیشنهادی، ما با تفحص در دیگر آیات همسو و هم موضوع در کاوش معنای آیه بر آمدیم. بدین سبب می‌توان یکی دیگر از امتیازات ترجمه پیشنهادی را هماهنگی و عدم اضطراب معنای آیه با دو آیه متحد المضمون دیگر یعنی ﴿وَنُفِثَ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِثَافًا﴾ (مریم/ ۸۶) و ﴿جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق/ ۲۱) دانست. خدای متعال در دو آیه مذکور، بار دیگر به حقیقت سوق همه نفوس و اهل جهنم در روز قیامت اشاره دارد. اما آنچه در آیه ۲۱ سوره «ق» وجود دارد به وضوح معنا و حقیقت سائق را در روز قیامت آشکار می‌کند؛ چرا که خداوند در این آیه فرموده است هر نفسی اعم از نفس شقی و یا سعید، در روز قیامت به همراه یک سائق و شهید در محضر خدای متعال حاضر می‌شود. این سائق از پشت سر او را همراهی کرده (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۴۹) و راه مواقف را بدو نشان می‌دهد و شاهد نیز همواره به کرده‌های نفس اعم از خوب و بد شهادت می‌دهد. از آیه برمی‌آید وظیفه سائق، سوق دادن (= روانه کردن، راهنمایی نمودن) نفس بوده و فارغ از عمل و حال نفس، تا سر منزل مقصود او را همراهی می‌کند. آیه ۲۱ سوره «ق» از آغاز همراهی و وظیفه سائق به همراهی شاهد در روز محشر حکایت دارد و آیات سوره زمر از پایان کار و همراهی و مأموریت سائق تا درب بهشت و جهنم حکایت دارد. از این رو، سائق نمی‌تواند لزوماً وظیفه راندن و کشاندن به اجبار را داشته باشد؛ بلکه او صرفاً روانه کننده و رهنمونگر نفس به مواقف قیامت و در نهایت بهشت و جهنم است. اما آنچه حالت این روانه را نشان می‌دهد دیگر آیات قرآن کریم مانند ﴿قَالَ احْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون﴾ (مؤمن/ ۱۰۸) است.

۶- ترجمه پیشنهادی، حقیقت یک موضوع در آیه را متبلور می‌سازد. خدای متعال در موارد متعددی از تفاوت‌های حال و سرنوشت اهل بهشت و جهنم سخن گفته است. از کیفیت عذاب و تنعم آن‌ها، از رویارویی و ملاقات آن‌ها با یکدیگر، از نحوه تخاطب آن‌ها با خدای متعال و بالعکس. اما در این آیه بر خلاف موارد دیگر، خداوند بر آن است تا شباهت‌های ظاهری ورود اهل جهنم و بهشت را به سر منزل پایانی‌شان آشکار کند. تبیین

یکسانی ورود و شرایط همراه آن سبب می‌شود انسان بیشتر به فکر فرو رود و برای اهل بهشت شرایط شکرگذاری بیشتری فراهم گردد و اهل جهنم نیز داغ و حسرت آنچه از دست رفته است، بیشتر عذاب‌شان دهد؛ زیرا هر دو به این فکر می‌کنند که اگر من به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردم، امکان داشت پس از این یکسانی مسیر، حیات اخرویم دگرگون می‌شد. همین باعث می‌شود مخاطب قرآن با نگرستن به شرایط یکسان در زندگی دنیایی، بیشتر بر ایمان و اعمال خود دقت و نظارت داشته باشد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱- بر اساس آنچه آمد و بررسی‌های به عمل آمده از آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر؛ مفسران و مترجمان، واژه «سیق» در هر دو آیه در توصیف چگونگی ورود بهشتیان و اهل جهنم به منزلگاه‌شان را یا در معنای راندن به کار برده‌اند و در توجیه راندن و کشاندن اهل بهشت، توجیهاتی ارائه نموده و یا سعی داشته‌اند معانی متفاوتی برای این دو آیه به کار ببرند تا تفاوت حالت این دو گروه را ترسیم نمایند. با تکیه بر آیات دیگر قرآن کریم و اتخاذ روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز دقت در اصل معنای واژه «سیق» مشخص شد که ترجمه و تفسیر واژه «سیق» در دو آیه سوره زمر، نمی‌تواند به معنای راندن یا سوق دادن باشد؛ زیرا این نحوه ورود به بهشت در شأن اهل بهشت نبوده و از سوی دیگر با دیگر آیات قرآن نیز مطابقت ندارد.

۲- دلایل و توجیهاتی که برخی از مفسران درباره راندن و کشاندن اهل بهشت به منزلگاه‌شان ذکر نموده‌اند، همگی قابل خدشه است و نمی‌توان آن‌ها را به عنوان دلیل متقن و مطابق با دیگر آیات قرآن و حتی سیاق کلی سوره زمر برشمرد.

۳- آنچه در این نگاشته به عنوان ترجمه و تفسیر متفاوت از قبل، پیشنهاد شده، واژه «روانه نمودن» یا راهنمای کردن و نشان دادن راه و مسیر از پشت سر نفس انسانی برای بهشتیان و جهنمیان است. این ترجمه و تفسیر پیشنهادی با دیگر آیات قرآن، که خبر از

نقدی بر پس زمینه معنایی فعل «سقی» در قرآن کریم با محوریت آیات ۷۱ و ۷۳ سوره زمر \_\_\_\_\_ زهره نریمانی

همراهی دو ملک از آغاز محشر به عنوان سائق و شهید می‌دهد، هماهنگ است. این آیات برخلاف دیگر آیات قرآن درباره روز قیامت، در صدد نشان دادن شباهت‌های اهل بهشت و اهل جهنم در هنگامه ورودشان به منزلگاه جاودانی آنها است. خداوند با بر شمردن یکسانی‌های دو گروه در آغاز ورود به جایگاه ابدی آنها، بر آن است تا حسرت اهل جهنم را برای انتخاب شقاوت‌مندانه خود و نیز حلاوت و شادی اهل بهشت را برای اختیار راه سعادت، بیشتر آشکار نماید و به مخاطبان قرآن این نکته را تفهیم نماید که مسیر و نعمات زندگی از آغاز تا انتها برای همه یکسان است و این خود انسان است که با اختیار راه خود، پس از تمامی مسیر، منزلگاه نهایی خود و کیفیت و نحوه بقای آن را تعیین و مشخص می‌نماید.

## ۵- منابع

### \*قرآن کریم

- ۱- ابن‌اثیر، ضیاء‌الدین، المثل‌السائر، مصر، دار النهضة المصر، بی‌تا.
- ۲- ابن‌عاشور، محمدطاهر، التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن‌عاشور، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، (۱۴۲۰ش).
- ۳- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، (۱۴۱۹ش).
- ۴- ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان‌العرب، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ش).
- ۵- ازهری، محمدبن احمد، تهذیب‌اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۱ق).
- ۶- بیضاوی، عبد‌الله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار الحیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ش).
- ۷- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (۱۴۲۲ش).
- ۸- خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربی، (۱۴۲۴ش).

- ۹- زمحشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۱۴ش).
- ۱۰- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ اسلامی، (۱۴۰۶ش).
- ۱۱- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ش).
- ۱۲- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن: دارالکتب الثقافی، (۲۰۰۸م).
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۷۹ش).
- ۱۴- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).
- ۱۵- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).
- ۱۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، (۱۴۱۰ش).
- ۱۷- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق، (۱۴۸۰ش).
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).